

نگاه

کرمون، تهران

امیر غفاریبگی

■ «تهران، تهران، تهران، تهران دریای بزرگی است. تهران اقیانوسی است به پهنای آرزوهای من. مثل پر کاهی اقدام توی اقیانوس. میان توفان و موج‌ها همه آن چیزهایی که عمو قاسم رک و راست و با دلسوزی گفته بود، درست بود. بارها تا مرز نومیدی رفتم، تا مرز خلاص. تهران قصه‌های تلخ و شیرین خودش را داشت، دارد.»نوشته بالا قسمتی بود از خاطرات «هوشنگ مرادی کرمانی» در کتاب «شما که غریبه نیستید!» قسمتی از خاطرات یکی از هزاران کرمانی که برای پیشرفت بیشتر، رسیدن به زندگی بهتر و عملی کردن آسأل و آرزوهای با ظاهر دست‌نیافتنی خود، «دل عالم» را به مقصد تهران بزرگ ترک گفته‌اند.
بله! تهران اقیانوسی است؛ اقیانوسی که هرچه بیشتر در آن دست و پا بزنی بیشتر فرو می‌روی یا شاید باتلاقی است در پوست اقیانوس. اقیانوسی که باید خود را در آن تسلیم توفان‌ها و موج‌ها کنی اما به مرور زمان همین توفان‌ها و موج‌ها برایت دوست‌داشتنی می‌شوند.
دیگر نمی‌توانی از آنها دل بکنی. اگر هفته‌ای را از این شهر درندشت و شلوغ دور باشی، دلت برای شلوغی‌اش تنگ می‌شود. برای دودین از ایستگاه اتوبوس‌های «بی‌آرتی» تا ایستگاه مترو. برای نشستن در اتوبوس و خواندن یک فصل کتاب از ایستگاهی تا ایستگاه دیگر. اگر روز اولی که پا به این خاک، که می‌گویند دامنگیر است، گذاشتی و با راننده تاکسی دعوبایت شد و با یادآوری شهرت بر سر راننده فریاد زدی: «شما به چی شوهرتان می‌زناید؟ به هوای آلوده‌تان؟» به خیابان‌های شلوغ‌تان؟ همیشه خدا هم که اعصاب ندارد!» شاید راننده در آن لحظه تو را به حال خودت بگذارد اما تـه دلش می‌داند که اگر آمدهای بمانی، به‌زودی هوای آلوده تهران برایت پاک‌ترین هوای جهان می‌شود که اگر روزی روزگاری همسرت این هوای آلوده را بدات آورد یا دو ساعت زانددگی در جاده چالوس خواهی بود. هفته بعد در جاده هزار رانددگی می‌کنی و از امل و بابلسر درمی‌آوری. دو هفته بعد مسیر فیروزکوه را پیش می‌گیری و بعد از خوردن دوغ «گدوک» به قائمشهر و نهایت‌ساری می‌رسی یا با قطار به مشهد، تبریز، اصفهان و هزار شهر دیگری می‌روی، به این برهان که تو در مرکز زندگی می‌کنی.

اگر زمانی که در کرمان بودی هفته‌ای یکبار، پنجشنبه‌ها به زیارت اهل قبور می‌رفتی، در تهران مردگان را که هیچ، زنده‌گان را هم فراموش می‌کنی. در یک برج ۲۵طبقه‌ای زندگی می‌کنی که شاید همسایه دیوار به دیوار تا سالی یکبار ببینی. این برای شخصیت‌های معروف خوب است. کسانی که ممکن است هنگام زندگی در کرمان نصف شهر بدانند در کدام محله و کدام آپارتمان زندگی می‌کنند اما در تهران اهالی برج هم از وجودشان بی‌خبر نخواهند داشت. این‌گونه زندگی کردن برایشان راحت‌تر است.

اگر بچه‌هایت در روزهای اول مدرسه، قطار را قطار و کشتی را کشتی تلفظ می‌کنند و مورد تمسخر هم‌کلاسی‌های‌شان قرار می‌گیرند، فقط با گذشت یک سال، حرف زدنشان چنان لجه‌ای به خود می‌گیرد که انگار هفت جلدشان تهرانی بوده‌اند.

اگر برحسب اتفاق، یکبار از مغازه‌های پوشاکی تهران خرید کنی، دیگر لباس که هیچ، لباس فروشی‌های کرمانی را هم نمی‌خواهی!

این‌جاست که بعد از گذشت چند سال دیگر یک تهرانی تمام عیار می‌شوی که کرمان می‌شود آخرین جایی که برای مسافرت به آن فکر می‌کنی. تهران را «دل عالم» و «صف جهان» و «شهر باران» و چه و چه و چه می‌دانی. ترانه لاس‌انجلسی معروفی را داد می‌زنی: «ای جان، ای جان، دارم می‌رم به تهران، دارم می‌رم به تهران» یا فریاد می‌زنی: «تهران! شب از تو دور است، تهران همیشه نور است، تهران و کوچک‌هایش، یادآور غرور اوست!» حتی اگر نامیده‌اند مجلس که هیچ، نایب‌رئیس مجلس به باشی، کم‌کم زادگاهت را فراموشی می‌کنی. از «کت کرمون» به «تف تهران» می‌رسی و «جهت تهران» می‌شوی…

خبر

آغاز عملیات اجرای خط دوم آبرسانی به شیراز از سد دروزن
■ ایستنه: عملیات اجرای خط دوم آبرسانی از سد «دروزن» به کلاشهر شیراز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های عمرانی آغاز شد. مدیر پروژه خط دوم آبرسانی شیراز در جریان بازدید خبرنگاران در خصوص این طرح گفت: خط دوم آبرسانی شیراز از سد دروزن پس از بهره‌برداری تا سال ۱۴۰۵ نیاز مردم این شهر را به آب شرب و بهداشتی برطرف می‌کند. نوذر جلالی، اعتبار پیش‌بینی‌شده برای اجرای خط دوم آبرسانی به شیراز را ۲۰۰۰ میلیارد ریال اعلام و اضافه کرد: برای تسریع در اجرای این پروژه حیاتی به همت و یاری همه مسئولان نیاز است. وی تاکید کرد: با آغاز عملیات اجرایی این طرح به عنوان بزرگ‌ترین طرح عمرانی استان فارس در قالب خط دوم آبرسانی از سد دروزن به شهر شیراز، دغدغه مردم این شهر در رابطه با کم‌آبی ناشی از سال‌ها خشکسالی پس از بهره‌برداری از این طرح حایز اهمیت برطرف می‌شود و در حقیقت مشکل کم‌آبی شهر شیراز به این ترتیب به خط پایان خود نزدیک شده است.مدیر پروژه خط دوم آبرسانی به شیراز با بیان اینکه این طرح توسط قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص)، به عنوان پیمانکار پروژه، در حال انجام است، زمان بهره‌برداری از این پروژه را چهار سال آینده اعلام کرد و گفت: اعتبار پیش‌بینی‌شده برای این طرح ۲۰۰۰میلیارد ریال است.

تاثیر منفی روند شتابان مهاجرت جوانان بر توسعه استان‌ها

تب بالای مهاجرت جوانان تحصیلکرده کرمانی

وحید قرایی/کرمان



هجرت جوان تحصیل

هذر رفتن پتانسیل‌ها در افراد می‌شود. به این ترتیب، یک نیروی جوان تحصیلکرده و جویای نام مطمئناً جذب بازار کار متنوع و تخصصی و رو به پیشرفت شهرهایی چون تهران می‌شود، البته اگر از کشور خارج نشود.
اما حتی ساختار شهری نامناسب و محیط اجتماعی نسبتاً کوچک و محدودتر کرمان نسبت به شهرهایی مثل تهران را عاملی برای مهاجرت جوان‌ترها از کرمان می‌داند و عنوان می‌کند: تغییر مواردی که گفته شد ناممکن نیست و در صورتی که به قامت یک برنامه اجتماعی عملی درآید نه‌تنها می‌توانند روند مهاجرت را کمتر دهد که حتی می‌تواند ضامن برگشت بسیاری از کرمانی‌هایی شود که با مشکلات زندگی در شهرهای بزرگی چون تهران روبه‌رو هستند

علی نقوی هم یک کرمانی است و تحصیلاتش را در رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه کرمان به پایان برده و چند سالی است که در تهران به کار و ادامه تحصیل پرداخته است. او می‌گوید: متأسفانه ما کمتر آماری از خروج سرمایه‌های انسانی داریم و نمی‌دانیم سالانه چند نفر که در کرمان به کار و تحصیل و تدریس و هنرورزی مشغول بوده‌اند، تجربه‌ای آموخته‌اند و سرمایه‌ای برای این استان محسوب می‌شند از کرمان رفته‌اند و دیگر بازنگشته‌اند. هرساله تعدادی از رتبه‌های بالای کنکور سراسری در کرمان ساکن بوده‌اند و در برخی سال‌ها نیز رتبه‌های تکرریمی را به خود اختصاص داده‌اند اما آیا کسی از سرنوشت آنها خبری دارد؟ از رتبه‌های برتر المپیادها؟ از نفرات برگزیده جشنواره خوارزمی، هنرمندان و… کسی هست به این سوال پاسخ دهد که چند درصد نمایندگان استان در دوره‌های مختلف مجلس پس از پایان دوره نمایندگی‌شان به کرمان بازگشته‌اند و پاسخ چرایی برگشتن این افراد ما را به یافتن

پاسخ‌های دقیق‌تر و دلایل منطقی‌تر مهاجرت کرمانی‌ها می‌رساند.

او با بیان اینکه پاسخ چرایی خروج از کرمان شاید همان جواب کلیشه‌ای کمبود امکانات و نبود فرصت‌ها باشد، اظهار می‌دارد: اگر قرار باشد به طور مشخص درباره کرمان صحبت کرد به نظر من، سقف پیشرفت و کار در کرمان بسیار محدود است. مثلاً اقتصاد بسیار کوچک کرمان فرصت‌سوز است تا فرصت‌ساز و ترجیح می‌دهی در فضایی بزرگ‌تر کار را تجربه کنی.

او با اشاره به اینکه افراد بسیاری با برخی تعاریف رسمی کرمان تل در گرو کرمان دارند در بسیاری از مراکز مهم و حتی تصمیم‌ساز علمی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، ورزشی و… در تهران فعالیتند و برخی صاحب منصب و اثرگذار هستند، می‌گوید: اما آیا مکانیزمی برای استفاده از این همه سرمایه اجتماعی وجود دارد؟ آیا تشکلی وجود دارد تا اینها دور هم بنشینند و یکدیگر را بشناسند و از ظرفیت‌های موجود برای شهرشان استفاده کنند. سرمایه فرهنگی و اجتماعی را که حاصل اثباتست سال‌ها تلاش و تجربه این افراد است، نمی‌توانیم در روند توسعه به‌کار بگیریم و به نظر من این مساله بسیار مهم‌تر است تا مهاجرت به خارج از استان.

نقوی با بیان اینکه نکته‌ای که باید بسیار بر آن تاکید و نسبت به آن الگوسازی شود، حضور افراد ارزشمندی چون مرحوم افضل‌ی‌پور و بازگشت شادروان هامیون صنعتی و فعالیت‌های آنان در کرمان است، عنوان می‌کند: حضور و فعالیت این افراد نشان می‌دهد با وجود همه نقدهایی که بر کرمان وارد است می‌توان آمد، ایستادی کرد و کاری نیک را به سرانجام رساند. آنها از همه ظرفیت‌ها و سرمایه فرهنگی و اجتماعی خود بهره‌بردند و امروز هم باید

توقف حراج اشیای تاریخی جیرفت در بریتانیا

یک گالری در کشور انگلستان که اشیای تاریخی جیرفت را از طریق غیرقانونی از کشور خارج کرده و قصد حراج آنها را داشت گفت: این مساله برای تمدن جیرفت بسیار امیدوارکننده است.

غنیچپور گفت: هفت سال بود که حقوق‌دانان ایران در دادگاه‌های انگلیس به دنبال احقاق حق مردم ایران بودند که در نهایت نیز موفق شدند. این مسئول ادامه داد: خروج این اشیاء و هر شی دیگری از تمدن جیرفت که در خارج از کشور وجود دارد غیرقانونی است و خرید و فروش آنها بر خلاف قانون است. فرماندار جیرفت ادامه داد: باید اقدامات لازم برای نگهداری و حفاظت از اشیاء و محوطه‌های تاریخی در جیرفت انجام شود.

این در حالی است که وضعیت محوطه‌های تاریخی جیرفت مطلوب نیست و به‌خصوص سایت‌های کنار صندل شمالی و جنوبی نامناسب است و در جریان فرسایش شدید قرار گرفته‌اند؛ با وجود این به دلیل آنچه کمبود اعتبار گفته می‌شود طی سال‌های اخیر فعالیت‌های لازم در این مناطق صورت گرفته است و این مکان با توجه به بارش‌های باران و وزش بادهای شدید در معرض فرسایش شدید قرار گرفته است. همچنین کاوش‌ها در محوطه‌های تاریخی جیرفت

درپچه

ساحل در گهان در حال نابودی

■ فارس: با اجرای طرحی که طی آن خاکریزی و استحصال ۳۵هکتار زمین از سواحل «درگهان» رامیسر می‌سازد، با وجود اعتراضات گسترده دوستداران محیط زیست کماکان عملیات خشک کردن دریا که منجر به از بین رفتن گونه‌های کمیاب درختان حرا و محل زیست گونه‌های دیگر آبی در معرض انقراض در این قسمت از قشمر می‌شود، ادامه دارد. قشم یکی از وسیع‌ترین پهنه‌های خاکی در نوع خود در دنیاست چراکه این جزیره حتی وسعتی بیش از چندین کشور مهم دنیا دارد. این جزیره که به ادعان بسیاری نهادهای محیط زیست بین‌المللی و داخلی در نوع خود از جهات مختلف چه در خشکی و چه در ساحل و دریا منحصربه‌فرد است، از ظرفیت‌های اکولوژی و محیط زیستی متنوع در عین حال حساس برخوردار است که در نوع خود در دنیا کمیاب به شمار می‌رود. این امر بسبب شده است از این جزیره به عنوان یکی از مناطق تمرکز اکولوژیک با برخورداری از گونه‌های دریایی کمیاب حتی برای کارشناسان و محققان نیز در سال‌های اخیر یاد شود. اما از سویی دیگر به عقیده نهادهای و فعالان محیط زیستی در سال‌های اخیر در پی توسعه‌ای که به عقیده این فعالان نامتوازن و بعضاً غیرمنطقی است، محیط زیست این جزیره دچار و دستخوش تهدیداتی جدی شده است که بیم از بین رفتن بسیاری از قابلیت‌ها احساس می‌شود که نه‌تنها به محیط زیست این جزیره ضربه و لطمه می‌زند بلکه آیندگان بشر را نیز از برخورداری از بسیاری از گونه‌های کمیاب محروم می‌سازد. در این بین گفته می‌شود بخش‌هایی از ساحل جزیره در قسمت‌های شمالی و جنوبی در راستای استحصال زمین مدام تحت اجرای طرح‌هایی قرار می‌گیرد که از زیبایی محیط زیستی ندارد یا اگر دارد به این مساله توجه اجتنابی نمی‌شود. در نمونه‌ای تازه‌تر می‌توان به طرح احداث مجتمع اشاره کرد که به گفته مسئولان آن نیاز به استحصال ۳۵ هکتار زمین از قسمت در گهان در بخش شمالی این جزیره وجود دارد و آن هم درست در ناحیه‌ای که به گفته مسئولان محیط زیستی یکی از حساس‌ترین نقاط رویش و زیستگاه‌های درختان حرا (مانگرو) و محیط زیروارونی آن محلی امن برای تخم‌گذاری نوعی لاک‌پشت کمیاب و در معرض انقراض است. معلوم نیست چرا با وجود ساختار زمین‌شناسی جذاب قشم که معمولاً در جای‌جای این جزیره ارتفاعاتی مشرف به ساحل و دریا وجود دارد و در حالی که در اغلب جزایر توریستی دنیا و بنادر معروف، معماران شهری و توسعه‌دهندگان این مناطق به ساخت و ساز در این‌گونه ارتفاعات نزدیک به ساحل به دلیل دید بهتر به دریا و ایجاد مناظر ناب‌تر و جلوگیری از تبعات زیست‌محیطی، اقدام به ایجاد شهرها و مجتمع‌های خنمایی و مسکونی در این نقاط می‌کنند، در جزیره‌ای که به‌گونه‌ای در دنیا لنگه ندارد، مسئولان عمرانی اصرار به خشک کردن دریا و استحصال زمین از ساحل حساس با اکولوژی خاص و شکننده برای ایجاد مجتمع‌های تجاری که در هرنقطه از جزیره می‌تواند ساخته شود، دارند. نباید فراموش کرد در قشم به جز وجود این ناهمواری‌های جانبی، شست‌ها و بیابان‌هایی با وسعت فراوان وجود دارد که می‌تواند در صورت توجه صحیح برای توسعه و شهرسازی جزیره‌ای منطقی و کارآمد قرار گیرد و بسیاری از روستاهای ۱۰۰گانه این جزیره را از بن‌بست اقتصادی و محرومیت نجات دهد. حتی اگر تصور بر این گذاشته شود که پروژه‌های همانند پروژه مورد بحث با آخرین استانداردها نیز ساخته شود، آیا نباید در آینده برای دفع فاضلاب و صدها تبعات دیگر منفی بر روی محیط اطراف نگران بود، کماینکه در حال حاضر سیستم دفع فاضلاب و پائسازی سواحل در جزیره‌ای همانند قشم به‌خاطر وجود ندارد یا تاکنون کارآمد واقع نشده است. شاید شهر در گهان از جهتی برای مردم ایران به دلیل قابلیت‌های اقتصادی و برخورداری از بازارهای آزان شناخته‌شده‌تر از محیط زیست و ساحل حساس آن باشد اما در این میان حمایت و حفاظت از این منطقه از قشمر طی ماه‌های اخیر، به واسطه در معرض خطر قرارگیری، موضوع کمپین‌های حفاظت محیط زیستی در هرمزگان، قشم و حتی کشور قرار گرفته است.

نکته‌ای که بسیار مهم است و جای سوال دارد این است که با وجود اعلام چندین باره مقامات محیط

زیستی کشور و هرمزگان مبنی بر عدم برخورداری

پروژه استحصال ۳۵هکتاری زمین از این ساحل، از

مجازهای محیط زیستی، مجری کماکان به ادامه

فعالیت خود در این راستا ادامه می‌دهد و به نظر می‌آید

دغدغه دوستداران محیط زیستی نه‌تنها فروکش نکرده

است بلکه روز به روز در حال گسترش است. در همین

راستای روزهای اخیر عبدالرحا کرباسی معاون دریایی

سازمان حفاظت محیط زیست کشور در گفت‌وگو با

رسانه‌ها تاکید کرده است: سازمان منطقه آزاد قشم

برای ساخت و ساز در سواحل قشم هیچ‌گونه مجوزی

از سازمان حفاظت محیط زیست دریافت نکرده است

و ازبازایی زیست‌محیطی هم برای این اقدام صورت

نگرفته است.وی بابیان اینکه حتماً این مساله را پیگیری

خواهد کرد، گفته است: درخواست‌هایی برای استحصال

زمین در دریا داشته‌ایم، اما سازمان منطقه آزاد قشم

درخواستی ارائه نکرده است.

معاون دریایی سازمان حفاظت محیط زیست تصریح

کرده است: ما اجازه نمی‌دهیم در ایران هم اتفاقی که

در اوبیطی افتاد، رخ دهد. در آنجا برای ساخت جزیره

نخلی شکل، قسمت زیادی از دریا را استحصال کردند و

وضعیت هیبرولوژیک آن منطقه، به شدت تحت تاثیر

این سازه بسیار قرار گرفت. کرباسی ادامه می‌دهد:

با توجه به اینکه مسوولان سازمان مناطق آزاد، خود را

ملزم به رعایت مقررات زیست‌محیطی نمی‌دانند، به نظر

می‌رسد باید قانون مناطق آزاد تغییر کند و مورد بازنگری

قرار گیرد.